

اشاره

۶ ژوئن ۲۰۱۰ - ویلاگ نویسی به نام خالد سعید به دست ماموران پلیس مصر در یک کافی نت در اسکندریه کشته می شود. وائل غنیم که از مدیران مصری شرکت گوگل و ساکن دوی بود، گروه فیس بوکی «ما همه خالد سعیدیم» را راه اندازی کرد. ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ - تونس: محمد بوعزیزی خود را به آتش می کشد؛

۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ - تونس: سقوط بن علی؛

۲۳ ژانویه ۲۰۱۱ - یمن: اعتراض های جدید علیه صالح؛

۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ - مصر: نخستین روز اشغال میدان التحریر؛

۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ - مصر: مقام های مصری تویتر و فیس بوک را مسدود کردند؛

۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ - مصر: دستور تعطیلی سرویس های اینترنت و موبایل صادر شد؛

۳۱ ژانویه ۲۰۱۱ - مصر: راهپیمایی میلیونی؛

۲ فوریه ۲۰۱۱ - آمریکا: گروه ادیاسترز که در ونکوور مستقر است، سرمقاله ای به قلم کونوماتسو منتشر می کند که در آن برای برگزاری اعتراض هایی همانند اعتراض های خاورمیانه فراخوان داده می شود؛

۱۱ فوریه ۲۰۱۱ - مصر: سقوط مبارک؛

۱۴ فوریه ۲۰۱۱ - بحرین: نخستین اعتراض مهم علیه آل خلیفه؛

۱۷ فوریه ۲۰۱۱ - لیبی: اعتراض ها علیه قذافی آغاز می شود.

نگاهی به فراخوانی در اینترنت و شکل گیری جنبش های اجتماعی

انقلاب های اینترنتی یا اشغال فضای مجازی

محمد رضا زهرایی

تونس



فقط چند ساعت پس از خودکشی بوعزیزی در اعتراض به تحقیر ناشی از مصادره مکرر بساط میوه فروشی او توسط پلیس، صدها جوان که تجربه تحقیرهای مشابهی توسط پلیس داشتند، اعتراضی را در محل خودسوزی بوعزیزی، مقابل ساختمان دولتی آغاز کردند. پسرعموی محمد بوعزیزی فیلمی از این اعتراض تهیه کرد و در اینترنت گذاشت. دیگر خودکشی های نمادین و اعتراض گسترده شد. پخش ویدئوهای اعتراض و خشونت پلیس در اینترنت همراه بود با فراخوان های کنش در خیابان ها و میدان های سراسر کشور. اتصال بین ارتباطات آزاد در فیس بوک، یوتیوب و تویتر با اشغال فضای شهری یک فضای عمومی دوره ایجاد کرد. توسط این فضای دوره صدها اتومبیل به هم پیوستند و کاروان همبستگی تشکیل دادند. ۲۲ ژانویه ۲۰۱۱ قافله الحریه که از سیدی بوزید آغاز شده بود، به میدان کسبه در تونس رسید. اعضای این کاروان خواستار برچیده شدن بازماندگان رژیم بن علی بودند و توانستند محل وزارتخانه را اشغال کنند. آن جا چادرهایی زدند و یک فروم یا هم اندیش گاه دائمی راه اندازی کردند. بحث های پرشوری انجام می شد که تا پاسی از شب ادامه داشت و ویدئوهای آن ضبط و در اینترنت پخش می شد. بارها به واسطه خشونت پلیس از محل رانده شدند ولی بازگشتند. آن ها از کنترل سیاست و اقتصاد کشورشان توسط خاندان طرابلسی که در واقع خانواده همسر دوم بن علی بود و معاملات کثیف آن ها در ویکی لیکس منتشر شده بود خشمگین بودند. آن ها از نقش اسلام در فراهم کردن یک راهنمای اخلاقی علیه فساد و سوءاستفاده بحث می کردند.^۲ تونس دارای نظام نظارتی غول پیکری است، تا آن جا که تعداد کارمندان وزارت داخله آن، برابر با یک درصد جمعیت تونس است. حکومت بن علی

ایسلند



هر انقلابی تاریخ تولد و قهرمان شورشی خودش را دارد. در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸ هوردور تورفاسون خواننده با گیتاراش در جلوی ساختمان آلتینگ (پارلمان ایسلند) در ریکیاویک نشست و خود را از بنکسترها (بانکدار تبهکار) و سیاستمداران نوکرشان فریاد زد. تعداد اندکی از مردم به او پیوستند. سپس یکی از افراد، این صحنه را ضبط و در اینترنت بارگذاری کرد. در طول چند روز، صدها و سپس هزاران تن اعتراض خود را در میدان تاریخی استرولولور نمایش دادند. این اعتراض ها تا مدتی شنبه ها ادامه داشت و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ هزاران نفر با کوبیدن بر ظروف آشپزخانه در مقابل پارلمان گرد آمدند. خواسته های آن ها استعفای دولت، برگزاری انتخابات جدید و تدوین قانون اساسی جدید بود. این جنبش با بحران مالی ناشی از فساد سه بانک اصلی ایسلند و سیاستمداران ایسلندی حامی بانک ها آغاز شده بود. در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹ انتخابات زودرس پارلمان اعلام شد، و دو حزب اصلی محافظه کار برای همیشه کنار رفتند. دولت جدید به خواسته مردم برای تغییر قانون اساسی تن داد و قانون اساسی جدید به وسیله مجلس شورای قانون اساسی در فضای فیس بوک و تویتر و دیگر شبکه های اجتماعی ۱۶۰۰۰ پیشنهاد آنلاین و آفلاین دریافت کرد و لایحه نهایی قانون اساسی با همکاری جمعی تهیه شد. برخی ناظران، این قانون اساسی را ویکی قانون خوانده اند. ایسلندی ها علیه ننگ سرمایه داری مالی احتکاری که معیشت مردم را نابود کرده بود، شورش کردند ولی این خشم ناشی از این بود که نهادهای دموکراتیک کشورشان در خدمت سرمایه داری مالی و انحصاری بود. نقش اینترنت در بسیج عمومی این جنبش در ایسلند حیاتی بوده است. ۹۴ درصد ایسلندی ها به اینترنت متصلند و دوسوم آن ها کاربران فیس بوک هستند.^۱



رهبری کردند؛ وجود فرهنگ فعالیت سایبری نیرومندی که از سال ۲۰۰۱ و فعالیت برخی وبلاگ‌نویسان آغاز شد؛ نرخ نسبتاً بالای گسترش اینترنت شامل اتصالات خانگی، مدارس و کافی‌نت‌ها.

یمن:

هاشم الصوفی یک انقلابی یمنی در صفحه فیس‌بوکش مردم را در اعتراض به رژیم صالح به روبروی دانشگاه صنعا دعوت کرد. البته ساختار جنبش یمن بسیار متفاوت از دیگر جنبش‌ها بوده است. داشتن رهبری یکی از ویژگی‌های انقلاب یمن است.



مصر:

اسما محفوظ دختر محجبه و دانشجوی ۲۶ ساله مصری که از بنیانگذاران جوانان ۶ آوریل بود، خبر خودکشی‌ها (۶ مورد متاثر از خودکشی‌های انقلاب تونس) را به صورت گرفته در اعتراض به افزایش قیمت مواد غذایی را به اطلاع جوانان مصری رساند. او در ۱۸ ژانویه ضمن معرفی نام خود یک وی‌لاگ (video blog) در صفحه فیس‌بوکش گذاشت و گفت:



«چهارمصری خود را در آتش سوزاندند... مردم خجالت بکشید؛ من که یک دخترم اعلام می‌کنم به میدان التحریر خواهیم رفت تا تنها بایستم و پرچم را در دست نگه دارم. این ویدئو را گذاشته‌ام تا پیامی ساده به شما بدهم؛ ما قصد داریم در ۲۵ ژانویه به میدان تحریر برویم... به خیابان‌ها بریزید، پیامک

حمایت همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ غربی را به‌همراه داشت و پیش از این توانسته بود جنبش‌هایی را سرکوب کند؛ مثل منازعات کارگران (۲۰۰۹) که ده‌ها کشته و زخمی داشت.

تونس دارای درصد بالای بیکاری بخصوص جوانان تحصیل کرده بیکار؛

تونس بالاترین نرخ نفوذ اینترنت و تلفن همراه در جهان عرب را به خود اختصاص داده است. در نوامبر ۲۰۱۰، ۶۷ درصد جمعیت شهری به تلفن همراه دسترسی داشتند و ۳۷ درصد به اینترنت متصل بودند در اوایل سال ۲۰۱۱، ۲۰ درصد کاربران اینترنت عضو فیس‌بوک بودند که این درصد ۲ برابر مراکش، ۳ برابر مصر، ۵ برابر الجزایر و ۲۰ برابر یمن است. از آن‌جا که رابطه‌های مستقیم بین سن جوانی، تحصیلات بالاتر و کاربرد اینترنت وجود دارد، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار که در واقع کنش‌گران اصلی انقلاب بودند، کاربران غالب اینترنت هم بودند و از این وسیله ارتباطی برای گسترش جنبش ماهرانه استفاده می‌کردند. استقلال ارتباطی فراهم‌شده در اینترنت؛ پخش ویروسی ویدئوها، پیام‌ها و سرودهایی را امکان‌پذیر می‌کرد که خشم را برمی‌انگیختند و امیدبخش بودند. برای مثال، آهنگ "رئیس‌البلاد" که در شبکه‌های اجتماعی با استقبال زیادی همراه بود، آهنگی بود که توسط یک رپر به نام الجنرال تولید شد؛ و با دستگیری‌اش توسط رژیم باعث تحریک معترضان و گسترش اعتراض‌ها شد.^۳

کاستلز (۲۰۱۲) سه عنصر را معرفی می‌کند؛ تلاقی آن‌ها کلید فهم این است که چرا تونس آغازگر سلسله جنبش‌هایی اجتماعی شبکه‌ای شده است که در کشورهای عربی و بعدها در آمریکا و اروپا شاهدش هستیم. این عناصر عبارتند از: وجود گروهی فعال از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار که شورش‌ها را

بفرستید، در اینترنت بنویسید، مردم را آگاه کنید.»

شخص دیگری این وی لاگ را در یوتیوب گذاشت و بدین ترتیب به گونه‌ای ویروس‌ی بین هزاران نفر پخش شد. این پیام در سراسر خاورمیانه به عنوان وی لاگی که به برانگیختن شعله انقلاب کمک کرده شناخته می‌شود. گروه ۶ آوریل که بعد از حوادث خون‌بار اعتراض کارگران در مصر تشکیل شد، برای این فراخوان به طور فعال مشارکت داشتند. آن‌ها قبلاً برای قتل یک وبلاگ‌نویس توسط پلیس هم جنبشی را در فضای مجازی آغاز کرده بودند. این فراخوان شبکه‌های اجتماعی؛ دوستان، خانواده و هم‌محلّه‌ای‌ها را به هم متصل کرد و در ۲۵ ژانویه ده‌ها هزار نفر میدان التحریر را به‌عنوان فضای شهری رؤیت‌پذیر اشغال کردند. روزهای بعد از اشغال، افراد بسیار بیشتری به جمع معترضان پیوستند؛ بخصوص درصد بالایی از زنان با فرزندانشان حضور یافتند. درخواست معترضان استعفای مبارک و پایان حکومت وی بود. خشونت پلیس با معترضان در ۲۸ ژانویه آتش انقلاب را شعله‌ورتر کرد و باعث اشغال وزارتخانه و دیگر مراکز دولتی شد. جمعه‌ها معنای خاصی نزد معترضان داشت؛ هم نماز جمعه بود هم روز تعطیل. و این روز به نام‌های مختلف، زمان برگزاری تجمع‌های بزرگ شد.^۴

تردیدی نیست که فضای اصلی مقاومت در اینترنت شکل گرفت بخصوص برای کشوری مثل مصر با پلیسی که به سرعت و وحشیانه اعتراض‌ها را سرکوب می‌کرد. ولی شبکه‌های اجتماعی دیگر آفلاین مثل مساجد در نفوذ جنبش در اقشار و محلّه‌های فقیر مؤثر بودند. شبکه الجزیره نقش مهمی در ارتباط برقرار کردن به زبان عربی با جمعیت مصر و مخاطبان عرب‌زبان و رساندن پیام معترضان داشت.

رژیم مبارک، دسترسی به اینترنت و تلفن همراه را در کل کشور قطع کرد. کارکنان ISP به حفره‌سازها یا روترهای ISP که حاوی همه آدرس‌های آی‌پی بود، دسترسی یافتند و همه آدرس‌ها را حذف کردند.

ولی این انقلاب هرگز فاقد ارتباط نشد. وقتی شبکه الجزیره که گزارش‌دهی جنبش از طریق تلفن‌ها و خبرنگاران شهروندی را انجام می‌داد، با قطع اتصال ماهواره‌ای مواجه شد، برخی شبکه‌های ماهواره‌ای دیگر فرکانس‌های خود را به او پیشنهاد دادند. افزون بر این، دیگر وسائل ارتباطی مثل دستگاه‌های فکس، رادیوی موج کوتاه و ارتباط‌های دایال‌آپ و هات‌اسپات‌ها به کمک معترضان آمدند. اینترنت‌های مصری با استفاده از شبکه‌هایی مثل هات‌اسپات شیلد توانستند به پروکسی‌ها دسترسی داشته باشند. شرکت NDF فرانسوی اتصال به اینترنت را از طریق اتصال تلفنی به یک شماره در پاریس به معترضان ارائه کرد. مهندسان شرکت گوگل و توئیتر برنامه‌های موسوم به صحبت‌کن توئیت‌شوی طراحی کردند که پیام صوتی گذاشته‌شده در پیام‌گیر صوتی قابل دسترسی با تلفن زمینی را به توئیت تبدیل می‌کرد. روش‌های متفاوت زیادی برای دورزدن قطعی اینترنت ارائه شده بود. وبلاگ "من علا" تعداد زیادی از این روش‌ها را ارائه کرده بود. اما رژیم نتوانست قطعی اینترنت را به دلائل زیادی ادامه دهد، و در ۱ فوریه دسترسی به اینترنت را آزاد کرد.^۵

اسپانیا:

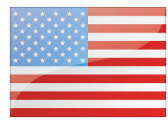
بحران یورو در اسپانیا به اوج خود رسیده است. نرخ بیکاری جوانان ۴۷ درصد دولت سوسیالیست برای باقی‌ماندن در عضویت منطقه یورو، زیر فشار آلمان و صندوق پول، بسیاری از خدمات خود را به‌شدت کاهش داده است. در فوریه ۲۰۱۱ شبکه‌هایی از شهروندان که برخی



در راه مبارزه برای اینترنت آزاد یا جنبش عدالت جهانی فعالیت می‌کردند، یک گروه فیس‌بوکی به نام «پلت‌فرم هماهنگی گروه‌های هوادار بسیج شهروندی» تشکیل دادند. این ایده با مشاهده تجربه ایسلند علیه تباری بانکداران و دولت شکل گرفت. این پلت‌فرم به سرعت به یک گروه فیس‌بوکی بحث و کنش با نام «دموکراسیا رتال یا» تبدیل شد. این گروه با یک فرم، یک وبلاگ و لیست ایمیل مبتنی بود بر یک شبکه نامتمرکز با گروه‌های مستقل در شهرهای مختلف. برخی از این گروه‌ها همدیگر را در فضای واقعی هم ملاقات و بحث می‌کردند. از نظر آن‌ها احزاب سیاسی اصلی در خدمت بانکداران بودند. آن‌ها با پیروی از تجربه کشورهای عربی تصمیم گرفتند برای کنش در خیابان فراخوان عمومی بدهند. بدین ترتیب در ۲ مارس فراخوان دادند تا در ۱۵ مه اعتراض خود را به خیابان‌ها با این شعار نمایش دهند: «دموکراسی واقعی اکنون! خیابان‌ها را اشغال کنید. ما کالایی در دستان سیاستمداران و بانکداران نیستیم.» هیچ یک از احزاب و اتحادیه‌ها از این فراخوان حمایت نکردند. ولی در فیس‌بوک، توئیتر و توئیت‌پخش شد. و هزاران نفر در این تاریخ در شهرهای مختلف به خیابان‌ها ریختند. تا چند روز این تظاهرات ادامه داشت. پس از پایان تظاهرات مادرید، تعدادی از معترضان به میدان پوئرتا دل سؤل که نمادین‌ترین میدان شهر بود رفتند و شب را برای بحث درباره معنای واقعی دموکراسی آن‌جا ماندند و شب بعد هزاران نفر از مردم در میدان کاتولینا گرد آمدند و به شکل ویروس‌ی و توئیت‌شده به بقیه مردم هم سرایت کرد و به این ترتیب آکامپادا یا کمپ‌ها به وجود آمدند. ۱۰۰ شهر اسپانیا از این الگو پیروی کردند و به ۸۰۰ شهر از سراسر جهان سرایت کرد.^۶

آمریکا:

با آغاز بحران مالی میلیون‌ها نفر خانه‌هایشان را از دست دادند؛ خانه‌هایی که با یک عمر تلاش به دست آورده بودند. همچنین میلیون‌ها شغل از دست رفت ولی بانک‌ها به وسیله دولت حمایت شدند و از منابع مالیات‌دهندگان، به پول‌هایشان رسیدند. خشم ناشی از این روابط سیاست و پول، مردم را آماده کرده بود. بسیاری از فعالان جنبش‌های علیه بی‌عدالتی و یا فعالان جنبش ویسکانسین برای جنبشی جدید آماده بودند. برخی از آن‌ها در فراخوان اسپانیایی‌ها با شعار «اتحاد برای تغییر جهانی» در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ شرکت کردند و برخی به اسپانیا سفر کردند و در مجمع‌ها و کمپ‌ها حضور داشتند. سپس نوبت جرقه فرارسید. ادباسترز یک مجله نقد فرهنگی در کانادا در ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۱ فراخوان زیر را در وبلاگش منتشر کرد:



#occupywallstreet آیا برای یک لحظه تحریری آماده‌اید؟ در ۱۷ سپتامبر به منهن جنوبی سرازیر شوید. ... و یکی از میدان‌های دارای اهمیت نمادین منحصربه‌فرد را تسخیر می‌کنیم ... وقت آن رسیده که تاکتیک‌های جدیدمان را علیه بزرگ‌ترین فاسدکننده دموکراسی‌مان به کار بریم: وال‌استریت غموره مالی آمریکا.

...ما می‌خواهیم باراک اوباما کمسیونری ریاست‌جمهوری منصوب کند که هدف آن پایان دادن به نفوذ پول بر نمایندگان ما در واشنگتن باشد. تاریخ انتخاب نمادین ۱۷ سپتامبر بود؛ روز امضای قانون اساسی آمریکا. علاوه بر گروه ادباسترز، شبکه‌ها و گروه‌های دیگری نیز در شکل‌گیری جنبش اشغال وال‌استریت نقش داشتند. برای نمونه، Ampedstatus شبکه‌ای از فعالانی بود که حول یک وبسایت گردآمده بودند. این شبکه



۱۰ هزار بازدیدکننده داشت. سپس صفحات خاص اعتراض به دولت اوکراین به عناوین مختلف در فیس بوک ایجاد شدند و به ساماندهی اعتراض‌ها و تبادل اخبار پرداختند که هر یک تا ۳۰۰ هزار بازدیدکننده نیز دارند. سفیر آمریکا در اوکراین، نقش مهمی در تشدید شورش‌ها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر عهده دارد. او به طور مرتب اخبار و عکس‌های اعتراض‌ها را در صفحات توئیتر و فیس‌بوک خود به اشتراک می‌گذارد. نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی اوکراین به حدی است که برخی کارشناسان، وضع اوکراین را «انقلاب فیس‌بوکی و توئیتری» نامیده‌اند. با این حال، افشای یک مکالمه تلفنی میان ویکتوریا نولاند معاون وزیر خارجه آمریکا با سفیر این کشور در اوکراین در یوتیوب، با صراحت بیش‌تری از نقش آمریکا در شورش‌های اوکراین پرده برداشت. همچنین در این گزارش آمده است که شیوه جمع‌آوری کمک‌ها به صورتی است که نقش کمک‌های مالی سرویس‌های جاسوسی به شورشیان پنهان می‌شود.^۹

ایران:

در ناآرامی‌های سال ۸۸ ایران قبل از ادعای دروغ تقلب در انتخابات، اقلیت‌های سیاسی خاصی که از قبل در کمپین‌های فمینیستی و اپوزیسیونی فعالیت داشتند، به طور هدفمند و با یک تشکیلات سازماندهی‌شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی کار خود را آغاز کرده بودند ولی با ادعای تقلب توسط دو نامزد این انتخابات این گروه‌های معارض کارشان را فعالانه‌تر و در ابعاد وسیع‌تر آغاز کردند. در ایران علیرغم دیگر کشورها گروه‌های تروریست اولین خشونت‌ها را علیه پلیس و نیروهای مردمی بسیج شروع کردند و بعدها توسط معترضین این خشونت‌ها ادامه یافت. این اعتراض با دخالت مستقیم دولت آمریکا و برخی کشورهای غربی در هدایت معترضان همراه بود. در ایران آن‌چه در شبکه‌های مجازی توسط معترضان منتشر می‌شد و با حمایت شبکه‌های ماهواره‌ای به شدت گسترش می‌یافت، پس از اندکی دروغ‌بودن آن آشکار می‌شد؛ از جمله قتل‌های ادعایی، با فاصله کوتاهی توسط مقتولان رد می‌شد.



در حوادث ایران ادعای تقلب در انتخابات توسط برخی از نمایندگان نامزدهای معترض انتخابات (مثل آقای آخوندی و محمدعلی نجفی) بعداً رد شد و مدعی شدند که آن‌ها از این بهانه برای اعتراض به دیگر سیاست‌ها و شخص پیروز انتخابات استفاده کرده بودند. به‌واقع در ایران نسبت به رای اکثریت مردم در انتخابات اعتراض داشتند و از همین رو، وقتی اکثریت مردم در ۹ دی ۸۸ به خیابان‌ها آمدند کشور آرام شد.

ما در این مقاله از کتاب پربار شبکه‌های خشم و امید کاستلز در شناخت جنبش‌های تونس، مصر، ایسلند، اسپانیا و اشغال‌وال استریت بهره زیادی بردیم ولی این کتاب دارای اشکالات محتوایی فراوانی است. آقای کاستلز اگرچه یکی از بی‌همتاترین منابع در خصوص جنبش‌های نوین بر بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی را تدوین کرده است ولی به حوادث اوکراین اشاره نمی‌کند که بین جنبش یا کودتای اوکراین آن اختلاف است، همچنین حوادث کوپا را نادیده می‌انگارد، از موضوع ایران و سوریه نیز با یک سوپه‌نگری به سرعت رد می‌شود. در حوادث اوکراین، کوپا، ایران و سوریه نقش قدرت‌های غربی برای دخالت در ساختار سیاسی کشورها به وسیله شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه‌های قدرتمند را نادیده می‌گیرد. در این کشورها مقاومت مردمی که مخالف دخالت قدرت‌های غربی هستند و همچنین خشونت معترضان و کودتاگران نادیده گرفته شده است. آقای

کاستلز به کرات سعی کرده جنبش‌ها و انقلاب‌های عربی را سکولار معرفی کند. در جاهای مختلف کتاب، هر جا به وجود نهادها و نشانه‌های اسلامی بودن انقلاب‌ها اشاره می‌کند، بلافاصله به انکار اسلام‌گرایی و یا بنیادگرایی اسلامی می‌پردازد. حتی در جایی وقتی از حمایت مردم و پیروزی راشدالغنوشی اشاره می‌کند، آرمان ایشان را حزب آزادی و توسعه ترکیه به رهبری اردوغان معرفی می‌کند و هیچ نشانه‌ای از بنیادگرایی اسلامی در آن نمی‌بیند؛ در حالی که با اندکی جستجو می‌توان لیست بلندی از مقالات و موضع‌گیری‌های راشدالغنوشی را ملاحظه کرد که به حرکت انقلاب اسلامی ایران و قیام امام خمینی تاکید می‌کند و ایران اسلامی را الگوی خود می‌داند. در برخی جاهای دیگر نیز سعی دارد مدل انقلاب اسلامی ایران را رد کند. هر چند آقای کاستلز یکی از علل اعتراض‌های مردمی در تونس و مصر را تحقیر و کسب عزت و کرامت می‌داند و برخی از اعتراض‌های گذشته را ضمیمه می‌کند ولی از اعتراض‌های مصر در سال ۲۰۰۹ علیه دیوار فولادین مبارک در مرز غزه غفلت می‌کند.^{۱۱} مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره ریشه‌های بیداری اسلامی در مردم منطقه می‌فرماید: «مردم هم آمدند توی صحنه، این، خصوصیت این قضیه است. چرا آمدند؟ آن چیزی که آن‌ها را کشاند، به صورت واضحی مسأله عزت و کرامت انسانی آن‌ها بود. در مصر، در تونس و همچنین در کشورهای دیگر، غرور مردم به دست این حاکمان ظالم جریحه‌دار شده بود»^{۱۳۹۰/۰۱/۰۱}

با مروری بر جنبش‌ها و حوادث ذکرشده، الگوهای خاصی را می‌توان ملاحظه نمود. کنش‌گران این جنبش‌ها همگی ابتدا در یک فضای مجازی خارج از دسترس دولت و ابزارهای کنترلی فعالیت و تمرین‌های خود را آگاهانه یا ناآگاهانه انجام داده و فعالان این جنبش‌ها در طول زمان حداقلی از فرهنگ خاص اینترنتی حتی برای اقلیتی جوان یا تحصیل کرده را دارا شده‌اند. در

در آورند. هر چند این فضای شبکه‌ای قادر به بازیابی واقعیت است و فریب کاری را آشکار می‌کند ولی سرعت اخبار و تحولات ناشی از آن بالاتر از آشکارسازی فریب کاری است و این می‌تواند سرنوشت جنبش‌ها را با توجه به هزینه‌های غیرقابل جبران آن مورد تردید قرار دهد. البته این به معنای کنار گذاشتن فضای شبکه‌ای شده نیست بلکه نیازمند سطح بالایی از آگاهی کنش‌گران شبکه است. هر چند فرایند تصمیم‌سازی در فضای شبکه‌ای - توده‌ای را مترادف مفهوم دموکراسی واقعی تعریف می‌کنند ولی به تحقیق، الگوهای شبکه‌های اجتماعی شامل تعدادی کنش‌گر مرکزی است. مرکزیت آن‌ها در فضای مجازی متاثر از میزان بالای فعالیت، دانش و برخی بازنمودهای دیگر است که برای دیگر کنش‌گران جاذبه دارد. این مرکزیت‌ها به عنوان رهبران فضای شبکه توسط کنش‌گران پذیرفته می‌شوند البته این فضاها فاقد رهبری واحدند. رهبران همانند دیگر ویژگی‌های فضای مجازی، به شدت سیال و در حال رقابت و تغییرپذیری هستند. همین که تعدادی کنش‌گر دارای میزان بالاتری از اشتراک‌گذاری، ارجاع و لایک باشند، کاربرد صفت رهبری قابل توجیه است. یکی از سیاست‌های قابل پیشنهاد برای حفاظت از دستاوردهای رهایی‌بخشی جنبش، داشتن رهبرانی با سطح بالایی از آگاهی و صداقت و توجه مستمر به وجود دست‌کاری‌کنندگان واقعیت است. بی‌گمان، شبکه‌های مجازی و واقعیت مجازی را با همه آسیب‌های ناشی از آن نمی‌توان نادیده گرفت. شبکه‌های اجتماعی مجازی، پدیده‌ای بسیار جدید است و حتی در خاستگاه اصلی آن در دنیای غرب هنوز به خوبی شناخته شده نیست و نظریه‌پردازی پیرامون آن گام‌های آغازین خود را برمی‌دارد. با تامل اندکی می‌توان دریافت حتی ویژگی‌های شبکه‌ای شده و توده‌ای آن، که نقش آگاهی‌های مردمی در آن پررنگ‌تر است با معیارهای آرمانی انقلاب اسلامی در اعتلای آگاهی‌های مردمی در فضای گفتگو هم‌خوانی بالاتری دارد در مقابل احزاب و یا رسانه‌های غول پیکر که متاثر از سرمایه و پول هستند. پس باید بیش‌تر شناخت و بیش‌تر شناخت.

منابع

- ۱- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، شبکه‌های خشم و امید؛ جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت، مترجم مجتبی قلی‌پور، تهران، نشر مرکز
- ۲- همان
- ۳- همان
- ۴- همان
- ۵- همان
- ۶- همان
- ۷- همان
- ۸- این مقاله در نشریه مطالعات جنبش‌های اجتماعی، سال یازدهم، شماره‌های ۲-۳ اوت و نوامبر ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است.
- 9- <http://www.irdc.ir/fa/content/43155/default.aspx>
- 10- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/289106>
- 11- <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=7898>
- 12- Hussain.M.M and Howard.P.(2012) democracy s fourth wave? Information technology and the Fuzzycase of the Arab Spring. Unpublished paper presented to the meeting of the international studies association. San Diego.april 1-4.
- 13 -Allagui.I.and Kuebler.J.(2011).The Arab Spring and the role of ICTs .international journal of communication.vol.5.1435-42.

۱۴- کاستلز (۱۳۹۳) همان ص ۹۷

این مرحله در برخی کشورها از جمله ایران ۲۰۰۹ با طراحی دولت‌های قدرتمند خارجی زمینه‌های ایجاد شورش و براندازی با جرقه‌هایی (در ایران جرقه اولیه ادعای دروغ تقلب در انتخابات بوده) آغاز شده است. و در برخی کشورها همچون ایسلند یا تونس (با فاصله یک‌ساله از حوادث ایران) به علت ظلم، بی‌عدالتی و تحقیر جرقه اولیه زده می‌شود؛ مثلاً با خشونت پلیس. با فراخوان در اینترنت اعتراض‌ها با اشغال یک محل نمادین در فضای واقعی ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد و با گسترش در فضای مجازی و خود رسانه‌گری کنش‌گران به علاوه خشونت پلیس و محدودیت‌های دولتی به شکل یک شورش پدیده و غیرقابل کنترل توسعه می‌یابد. هر انقلاب به طور سلسله‌ای از انقلاب قبل درس می‌گیرد، به آن استناد و به طور نمادین از آن نام می‌برد. در همه جنبش‌ها به جز ایران اشغال فضای واقعی با فرهنگ خاصی که دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد از مشارکت است، همراه است. در همه این جنبش‌ها این فرهنگ نسبت به جنبش قبلی از نظر زمانی متکامل‌تر می‌شود. این جنبش‌ها دارای فضایی دورگه شامل فضای مکان‌های واقعی و جریان‌های مجازی است. این فرهنگ مشارکت دارای ویژگی شبکه‌ای شدن، غیرسلسله‌مراتبی بودن، به طور هم‌زمان محلی و جهانی بودن، خود رسانه‌ای بودن (اضمحلال و بی‌اعتباری رسانه‌های قوی و بزرگ)، غیر حزبی بودن (اضمحلال تشکیلات حزبی و بزرگ و شناسنامه‌دار به دلیل رابطه با پول)، در شکل متکامل‌تر بدون رهبری، بدون خواسته، بی‌زمانی (تداوم در طول همه زمان‌ها) و شکل‌های پیچیده و متکامل برای دستیابی به دموکراسی مستقیم است که نیاز به بررسی‌های دامنه‌دار برای آینده چنین جنبش‌هایی دارد. همچنین توافقی که بین اکثر محققان وجود دارد، خصلت طبقاتی بودن مبارزات به خصلت فرهنگی مبارزات بدل گشته و کنش‌گران در پی بازیابی هویت و سبک زندگی هستند. هوراد و حسین (۲۰۱۲) در تحقیقات خود بعد از جنبش‌های عربی دریافته‌اند که کاربرد گسترده شبکه‌های دیجیتالی توسط جمعیت عمدتاً جوان تظاهرات‌کننده، تاثیر مهمی بر شدت و قدرت این جنبش‌ها داشته و مباحثه فعال شرکت‌کنندگان در رسانه‌های اجتماعی درباره مطالبات سیاسی اجتماعی، قبل از آغاز راهپیمایی‌ها شروع شده است.^{۱۳} همچنین العالغی و کولبر در تحقیقات خود گفته‌اند که اگر ما رهبری سیاسی و ائتلاف‌سازی را از انقلاب روسیه و اقدام مردمی را از انقلاب فرانسه یاد بگیریم انقلاب‌های عربی در تونس و مصر قدرت شبکه‌ها را به ما نشان می‌دهند.^{۱۴} همچنین نوعی از فعالیت زیبایی‌شناختی را می‌توان در گسترش توده‌وار جنبش‌ها شناسایی کرد که در قالب‌های هنری نوینی نمود دارد و در بیش‌تر جنبش‌ها قابل ملاحظه است. هرچند آقای کاستلز به نقل از خانم مینال‌حسن از فعالان شبکه‌های مجازی در حاشیه به آن اشاره می‌کند ولی قابلیت پژوهش‌های بیش‌تری را دارد. و آن قدرت تصاویر و عواطف فعال شده خلاق است که هم بسیج‌کننده هستند و هم آرام‌بخش. محیطی از هنر و معنا ایجاد می‌کرد که در آن فعالان جنبش می‌توانستند برای ارتباط با جمعیت جوان بر این فضای سیاسی هنری تکیه کنند و تغییر فرهنگ را به مثابه ابزاری برای تغییر سیاست محقق کنند.^{۱۴}

ولی با همه این‌ها فضای شبکه‌ای شده و شبکه‌های توده‌ای قابلیت بالایی برای نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر دارند؛ بخصوص اگر آن قدرت، توان مالی و فنی بالایی داشته باشد. قدرت‌های خارجی برای استثمار بیش‌تر کشورهای ضعیف‌تر به کمک عوامل داخلی با دستکاری واقعیت به آسانی می‌توانند با استفاده از ویژگی سرعت^{۱۵} که از خصیصه‌های زیرساخت‌های ارتباطی جدید است - فضای شبکه‌ای^{۱۵} توده‌ای را در کنترل اغراض خود

